



## اعتراف به قتل کارگر

## ساختمانی به خاطر سروصدا

مردی که از سروصدای کارگرهای ساختمان در حال ساخت به ستوه آمده بود با یکی از آنها در گیر شد و حادثه‌ای خونین رقم خورد. متهم در جلسه رسیدگی به پرونده ماجرای حادثه را شرح داد.

به گزارش جوان، ۱۴آذر سال ۹۸، مأموران کلانتری ۱۵۰تهرانسر از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخیر و راهی محل شدند. جسد متعلق به یک کارگر ساختمانی به نام اصغر بود که در درگیری با مرد همسایه با ضربات چاقو زخمی شده و بعد از سقوط از ساختمان به بیمارستان منتقل شد اما بر اثر شدت خونریزی هافوت کرده بود.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این زمینه آغاز شد تا اینکه مأموران بعد از تحقیق از شاهدان حادثه مرد همسایه به نام بنهم ۳۶ساله را بازداشت کردند. متهم در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت با مقتول به خاطر سر و صدا و ایجاد مزاحمت درگیر و مرتکب قتل شده است.

متهم بعد از اقرار به جرم و بازسازی صحنه راهی زندان شد و پرونده بعد

از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه به ریاست قاضی زالی قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «روبه‌روی خانه ما ساختمانی در حال ساخت بود و در آن چند کارگر شبانه روز مشغول کار بودند. آنها همیشه سر و صدا می کردند و مراعات حال ما را نمی کردند. حتی شبها هم از دست آنها آسایش نداشتم. چند روز قبل از حادثه از سر کار به خانه برگشتم که همسرم گفت از سر و صدای کارگران و ادب آنها خسته شده است و فرزندنامم را آرش نام دارند. مقابل ساختمان رقم و به کارگران تذکر دادم و برگشتم.»

متهم ادامه داد: «از آن روز به بعد انتظار داشتم آنها بیشتر مراعات کنند اما کارگران اهمیتی به حرمم ندادند و کار خودشان را می کردند. این گذشت تا روز حادثه. آن روز اصغر را مقابل خانه دیدم و از او خواهش کردم سر و صدایشان را کم کنند. اما او با بی‌اعتنایی از کنارم رد شد و به ساختمان رفت. انگار نه انگار که حرفی زده‌ام. این رفتار مرا خیلی عصبانی کرد به همین خاطر پشت سر او وارد ساختمان شدم و در یکی از طبقات با هم درگیر شدیم. در آن درگیری کنترل اعصابم را از دست دادم و با چاقویی که روی زمین افتاده بود، چند ضربه به سر او زدم که ناگهان اصغر از بالای ساختمان به پایین افتاد. مقتول خونین روی زمین بود که پدرم خودش را به ما رساند و همان موقع او را سوار ماشین کرد و به بیمارستان برد اما بی‌فایده بود.»

متهم در آخر گفت: «به خاطر سر و صدای کارگران من و خانواده‌ام آسایش نداشتم. باور کنید نه شب داشتم و نه روز. خیلی سعی کردم با حرف و تذکر آن‌ها رفتار کنم که رفتارشان اشتباه است اما آنها اهمیتی ندادند و کار به جایی رسید که ناخواسته مرتکب قتل شدم. از کاری که کردم پشیمانم. باور کنید قتل اتفاقی بود و در یک لحظه کنترل اعصابم را از دست دادم.»

در پایان هیئت قضایی با ختم جلسه وارد شور شد.

### پسر ناخلف به قتل پدر اقرار کرد

پیسری که متهم است پس از مشاجره با پدرش در شهرستان دماوندی را به قتل رسانده است، بازداشت شد. سرهنگ حسین فرمانده انتظامی شهرستان دماوند گفت: ظهر روز گذشته مأموران پلیس دماوند از درگیری خونین در یکی از محله‌های شهر با خیر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که مردی میانسال در جریان درگیری با پسرش جان باخته است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی پسر جوان بازداشت شد. وی در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: از مدتی قبل با پدرم به خاطر اختلاف‌های خانوادگی درگیری داشتم. ساعتی قبل سر همان موضوع مشاجره کردم که کنترل‌م را از دست دادم و حادثه خونین اتفاق افتاد. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

### \* آگهی مناقصه نوبت دوم \*

**موسسه عمران صنعت وابسته به قرارگاه خاتم الانبیا (ص) در نظر دارد برای تأمین مصالح سنگی شامل خرید و حمل ۲۰۰۰۰تن ماسه و ۲۰۰۰۰تن شن شکسته واقع به پروژه آزادراه اراک-خرم آباد را از طریق برگزاری مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذاری نماید. #مدت اجرای کار ۳روز می باشد. #کلیه ماشین آلات کار به عهده پیمانکاری می باشد #مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲٫۰۰۰۰۰۰۰ریال می باشد #لذا از کلیه پیمانکاران واجد شرایط که تمایل به شرکت در مناقصه را دارند دعوت می شود از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۴روز جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس استان لرستان جاده خرم آباد پیرانشهر-جنب روستای خلیل بیگی-کارگاه موسسه عمران صنعت-واحد قراردادها مراجهه نمایند. شماره تلفن دفتر مرکزی-۰۳۸۷-۲۱۲۲۷۸-۰۲-۰۱۵۷۴۲۷۰۹-۰۹۱۰۹۷۶۲۰۰۹-۱۵دالخی ۱۱۲و ۱۲۴\* #هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد**

**\* موسسه عمران صنعت\***

مرد سالخورده که سه‌سال قبل همسر سابقش را به قتل رسانده و متواری شده بود بازداشت شد. وی پس از انتقال به زندان تلاش کرد به زندگی خودش پایان دهد، اما با کمک مأموران از مرگ فاصله گرفت. او در آخرین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت که عذاب وجدان رهایش نمی کرده برای همین تصمیم به خودکشی گرفته بود. وی توضیح داد که جسد را مثلثه کرده و در نقاط مختلف شهر رها کرده است.

به گزارش جوان، اوایل دی‌سال ۹۷ زن میانسانی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی خواهر ۴۵ساله‌اش خبر داد. وی در توضیح ماجرا گفت: چند سال قبل خواهر کوچکم شیما با مردی به نام بهنام که همسرش فوت کرده بود، از دواج کرد. مدتی آنها با هم زندگی کردند از آنجایی که اختلاف سنی زیادی با هم داشتند و خواهرم خیلی کوچکتر از شوهرش بود کم کم با هم مشکل پیدا کردند و سرانجام خواهرم از او جدا شد. پس از این شیما همراه من زندگی می کرد تا اینکه روز قبل برای ملاقات با شوهر سابقش از خانه بیرون رفت و دیگر به خانه نبرگشت. الان احتمال می‌دهم برای او اتفاق بد رخ داده باشد و در خواست کمک دارم.

بررسی‌های پلیس نشان داد شیما آخرین بار با شوهر سابقش دیده شده است. بنابراین تیم جنایی در نخستین گام بهنام ۷ساله را به اداره پلیس احضار و از وی تحقیق کردند. وی در ادعایی گفت: چند سال قبل همسرم فوت کرد و من و دو بچه‌هایم را تنها گذاشت. وقتی بچه‌ها بزرگ شدند و از دواج کردند من تنهاتر شدم و به فکر از دواج اقدام تا اینکه با شیما و خواهرش آشنا شدم و بعد با شیما از دواج کردم. زندگی خوبی داشتم، اما کم کم به خاطر اختلاف سن که من از ۲۰سال کوچکتر بود با هم به مشکل برخوردیم. خیلی تلاش کردم با او کنار بیایم اما فایده‌ای نداشت و در نهایت از من جدا شد. از آنجایی که شیما را خیلی دوست داشتم همیشه تلفنی با او در تماس بودم و می‌خواستیم به زندگی برگرده و به همین خاطر

# حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۲۷۶

# عذاب وجدان پیرمرد از قتل همسر سابق

روز حادثه با او قرار ملاقات گذاشتم و با هم حرف زدیم، اما دوباره به توافق نرسیدیم و از هم جداحافظی کردیم و دیگر از او خبری ندارم.

**■ فرار مشکوک**

با انکار مرد سالخورده تحقیقات مأموران ادامه پیدا کرد، اما هیچ ردی از زن گمشده پیدا نکردند تا اینکه متوجه شدند، بهنام پس از گذشت چند روز از بازجویی محل زندگی‌اش را تغییر داده و به مکان نامعلومی گریخته است. بدین ترتیب مأموران به بهنام مشکوک شدند و وی را به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار دادند.

از سوی دیگر مأموران در بازرسی از خانه بهنام متوجه لکه‌های خونی روی رد و دیوار شدند که حکایت از آن داشت جنایتی در آنجا رخ داده است. مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه پس از گذشت سه‌سال از حادثه موفق شدند متهم را بازداشت کنند.

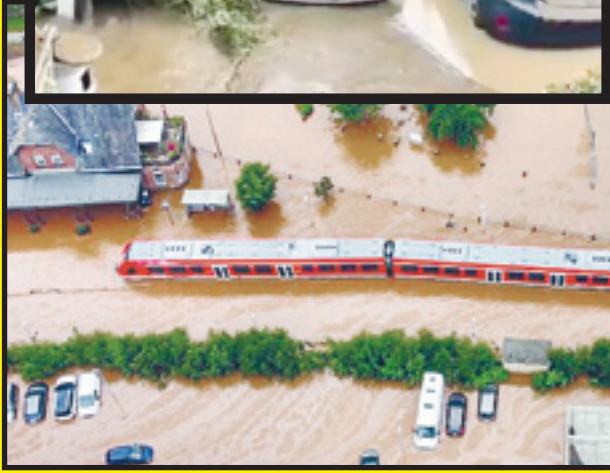
**■ اعتراف به قتل پس از خودکشی**

متهم پس از دستگیری جرم خود را دوباره انکار کرد و همان ادعای قبلی خود را تکرار کرد. متهم در حالی که مدعی بود از سرنوشت همسر سابقش بی‌خبر است با توجه به دلایل و شواهد مجرم شناخته شد و راهی زندان شد. چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید متهم در زندان اقدام به خودکشی ناموفق کرده و روانه بیمارستان شده است. متهم پس از بهبودی نسبی با اعتراف به قتل همسر سابقش گفت: وقتی طلا را گرفت خیلی تلاش کردم به زندگی برگردانم اما تلاشم بی‌فایده بود تا اینکه روز حادثه با هم درگیر شدیم و خفهاش کردم. بعد جسد او را مثلثه کردم و در مناطق تهران رها کردم. من خیلی تلاش کردم مأموران را فریب دهم به همین خاطر قتل را انکار کردم، اما در زندان عذاب وجدان رهایم نمی کرد تا اینکه تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان دهم، اما وقتی نجات پیدا کردم به قتل اعتراف کردم.

متهم در ادامه به دستور قاضی حبیب‌الله صادقی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

## صدها کشته و ناپدید در سیلاب سهمگین غرب اروپا

برخی از این مناطق امکان کمک به افرادی که در خانه‌هایشان گرفتار شده‌اند با قایق هم ممکن نیست. بسیاری از این افراد به دلیل رانش زمین پس از جاری شدن سیلاب ناپدید شده‌اند. آماروی مولر، ۶۵ساله در ماین گفت: «هیچ‌کس انتظار این حادثه را نداشت. این همه باران از کجا آمد؟ دیوانه‌وار است. چنان صدای مهیبی داشت و با چنان سرعتی آمد که فکر کردم در را می‌شکنند.» مقام‌های محلی در این ایالت‌ها اعلام کرده‌اند که احتمالاً در روزهای پیش رو شمار قربانیان اضافه خواهد شد. آنها تغییر اقلیم را دلیل بروز این حادثه اعلام کرده‌اند و پیش‌بینی کرده‌اند این رویدادها دوباره تکرار شود، چرا که تغییر اقلیم محدود به یک کشور نمی‌شود. کارشناسان می‌گویند که تغییر اقلیم باعث وقوع بیشتر رویدادهای شدید آب و هوایی خواهد شد.



## عامل قتل دره فرحزاده

## من قاتل نیستم

پسر جوانی که متهم است پسر عمه‌اش را با شلیک گلوله در دره فرحزاده به قتل رسانده اتهام را به گردن عموی مقتول انداخت. به گزارش جوان، سال گذشته مأموران پلیس پایتخت از درگیری مسلحانه در دره فرحزاد باخیر و راهی محل شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد درگیری بین چند مرد اتفاق افتاده است و در آن درگیری یکی از آنها به نام مراد ۲۹ساله با شلیک گلوله زخمی و راهی بیمارستان شده است.

تحقیقات ادامه داشت تا اینکه خبر رسید مراد قبل از رسیدن به بیمارستان فوت کرده است. با فوت پسر جوان پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و در اولین گام از تحقیقات، شاهدان حادثه یک‌به‌یک مورد تحقیق قرار گرفتند و گفتند مقتول با شلیک گلوله از سوی سردایی‌اش کشته شده است.

به این ترتیب پس‌دایی مقتول به نام اشکان که در آن حادثه از ناحیه پا مجروح شده بود مورد تحقیق قرار گرفت. اما قتل را انکار کرد و گفت: «قبول دارم در آن درگیری حضور داشتم، اما با پسر عمه‌ام مشکلی نداشتم. مدتی بود با عموی او به نام مجید اختلاف مالی داشتم. قبلا چند بار با هم درگیر شده بودیم. شب حادثه مشغول صحبت با مراد بودم که عموی او و چند نفر دیگر آمدند و دوباره درگیر شدیم. باور کنید در آن درگیری اسلحه نداشتم و به مقتول شلیک نکردم.» با انکار متهم اما بنا به گواهی شاهدان حادثه وی به اتهام قتل عمد به زندان رفت و پرونده در اولین جلسه محاکمه روی میز هیئت قضایی شعبه‌دم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت. در آن جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند.

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: «من با پسر عمه‌ام هیچ اختلافی نداشتم. قبلا هم در همه مراحل با بازجویی گفتم‌ام به او گلوله‌ای شلیک نکرده‌ام و قاتل نیستم. من با عموی او اختلاف مالی داشتم و چند بار بسر این موضوع با هم درگیر شده بودیم.» متهم در خصوص شب حادثه گفت: «پسر دایی‌ام در دره فرحزاد کار می کرد. آن شب به آنجا رفتم تا پسر او را ببینم. همان طور که مشغول صحبت بودیم یکباره عموی او به همراه چند نفر دیگر آمدند. وقتی من و مجید چشمم در چشم شدیم به خاطر کینه قبلی کار به درگیری کشید. مجید مسلح بود که ناگهان شروع به تیراندازی کرد. از ترس با فرار گذاشتم، اما یک تیر به پایم خورد و مجروح شدم. همان موقع صدای فریاد پسر عمه‌ام را شنیدم. برگشتم و نگاهش کردم. دیدم تیر خورده و خونین روی زمین افتاده است. احتمالا یکی از تیرهایی که عمویش شلیک کرده ناخواسته به او برخورد کرده و موجب مرگش شده بود.»

متهم در آخر گفت: «تمی دایم چرا شاهدان دروغ گفته‌اند. آنها دوستان مجید بودند و حتماً می‌خواهند مرا قاتل معرفی کنند. آن شب من اسلحه‌ای همراهم نبود که بخواهم شلیک کنم. بی‌دلیل بازداشت شدم و تقاضا دارم حرم را قبول کنید.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رای وارد شور شد.

### بازداشت یک مظنون

### در آتش‌سوزی مرگبار جنوب تهران

تجهیزان کارگاه کاب میل‌سازی در حادثه آتش‌سبنی که منجر به مرگ پنج نفر از کارگران شده هنگام فرار از محل بازداشت شد. به گزارش جوان، جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران در توضیح حادثه گفت: حادثه آتش‌سوزی در یک کارگاه تولید صنایع چوبی اتفاق افتاد. ساعت ۵۷، ۲۰۰۵شامگاه پنج‌شنبه بود که آتش‌نشنان پنج ایستگاه بعد از اطلاع از وقوع حادثه خود را به محل حادثه در خیابان علی‌آباد پاکدانه در غرب بزرگراه آزادگان رساندند. کارگاهی که حادثه آتش‌سوزی در آن اتفاق افتاده بود در گاز بزرگی قرار داشت که کارگاه‌های زیادی در آن فعال بود و احتمال داشت که آتش به آنها سرایت کند.

همزمان با حضور آتش‌نشنان ابتدا بعد از ایمن کردن محل به تیم‌های جداگانه تقسیم شدند. تیمی از آتش‌نشنان وقتی خود را به کانون آتش رساندند با در بسته مواجه شدند بنابراین با دستگاه برش در را گشوده و زمانی که وارد شدند در یکی از اتاقک‌ها با اجساد پنج کارگر که هگمی تبعه افغان بودند مواجه شدند. آتش‌نشنان همچنین چهار نفر دیگر را که دچار جراحات شده بودند از محل خارج و با کمک امدادگران اورژانس راهی بیمارستان کردند. همزمان تیمی دیگر از آتش‌نشنان عملیات اطفا‌ی حریق را انجام داده و در شرایطی که شعله‌های آتش حتی سقف آجری را تخریب کرده بود، موفق به مهار آتش و سپس اطفا‌ی کامل آن شدند.

در سخاخ دیگری از بررسی‌ها سروان محمد نظری، رئیس مرکز فرماندهی پلیس پیشگیری تهران گفت: مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد نوهنگام حضور در محل یکی از تجهیزات‌ها را که قصد فرار داشت بازداشت کردند. وی گفت که تحقیقات برای بررسی علت این حادثه در جریان است.

## امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

### آگهی مفقودی

**شناسنامه اینجناب مرتضی رضایی فرزند موسی به شماره ملی ۰۰۸۰۴۰۳۴۵ و شماره شناسنامه ۱۹۷۳۰ صادره از تهران مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز**

### آگهی مفقودی

**برگ سبز خودرو پیکان وانت تیپ OHV ۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید شیروی روغنی شماره پلاک (ایران) ۶۸ ۶۵۷ ج ۹۴) به شماره موتور ۰۱۶۱۲۱۴۹۰۱۰۱شماره شاسی NAAA۴۶AAA۱CG۳۲۹۲۴۰ متعلق به حبیب منصور زارع مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز**

مدت تکثیر

مهر واحد ثبت خوزت ملک گرمی

م‌ا‌ق‌د ۱۰۶

رئیس هیئت مدیره

عباس ابوالفضل زگر

تاریخ چاپ ۱۳۰۴/۲۶

تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۵- تعیین طمشی آینده شرکت تعاونی